

تاریخ‌گذاری آیات ۱۹۶-۲۰۳ سوره بقره

جواد فرامرزی^۱، سیدقاسم حسینی^۲

سیدعبدالله اصفهانی^۳، سیدمعصوم حسینی^۴

دریافت: ۱۳۹۹/۶/۲۳، پذیرش: ۱۳۹۹/۸/۲۶، صفحه ۳۷ تا ۵۶ (مقاله پژوهشی)

چکیده

تاریخ‌گذاری آیات و سور قرآنی از جمله تحقیقات نوپدید است که ریشه در روایات و تفاسیر قرآن دارد. در دوره معاصر، نخست غربیان و سپس محققان اسلامی با معیارهای گوناگون به تاریخ‌گذاری قرآن پرداخته‌اند. از جمله آیاتی که همواره در تاریخ نزول آن مناقشات فراوانی درگرفته، فقره ۱۹۶ تا ۲۰۳ سوره بقره است که پیرامون تشریح حج تمتع و اصلاح برخی بدعت‌های جاهلی در مراسم حج و عمره است. مفسران سال‌های متفاوتی را برای نزول این فقره در نظر گرفته‌اند که از سال‌های ششم تا دهم را در بر می‌گیرد؛ این در حالی است که در نزول سوره بقره، در هیئت سوره در دو سال نخست هجری جای شکی نیست. اما نتایج این مطالعه — که به صورت توصیفی — تحلیلی و با توجه به منابع تفسیری و تاریخی و با نگاهی که برآمده از شاخص‌های جامع است انجام گرفته — حاکی است که می‌توان سال نزول این فقره را سال دوم هجری و همگام با نزول سایر فقرات سوره بقره دانست. شاخص اول که مربوط به تناسب آیات و موضوعات این سوره است می‌رساند که این فقره هم‌چون نتیجه برای فقرات قبل، از جمله ماجرای بنای کعبه توسط حضرت ابراهیم از آیه ۱۲۵ به بعد و برخی مناسک آن از جمله سعی بین صفا و مروه است. شاخص دیگر که جنبه قرآنی — تاریخی داشته، حج مردم مدینه در سال‌های اول و دوم هجری است که این فقره در خصوص آنان نازل شده است. همچنین عدم دلالت واژه حصر در آیه ۱۹۶ بر ماجرای عمره حبیبیه، این فقره را با سایر بخش‌های سوره بقره پیوند می‌دهد. اصلاح بدعت‌های جاهلی در حوزه حج و عمره، رویکردی است که با سال‌های نخستین مدینه سازگارتر است و این فقره را با سایر بخش‌های سوره بقره مرتبط می‌سازد.

کلیدواژه‌ها: تشریح حج تمتع، حج، مدینه، تاریخ‌گذاری آیات.

۱. استادیار دانشکده علوم قرآنی آمل، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، قم، ایران (نویسنده مسئول).
javadfaramarzi1353@gmail.com
۲. استادیار دانشکده علوم قرآنی آمل، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، قم، ایران.
mirtaha1@yahoo.com
۳. استادیار دانشکده علوم قرآنی آمل، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، قم، ایران.
esfahaniquran@gmail.com
۴. استادیار دانشکده علوم قرآنی آمل، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، قم، ایران.
masoomhosseini@gmail.com

درآمد

مطالعات تاریخی در تعیین نزول آیات و سور قرآن کریم، حرکت نوپدید است که ضرورت آن با توجه به ماهیت نزول تدریجی قرآن و مناقشات فراوان مفسران در تعیین زمان نزول آیات و سُور، کاملاً ضروری به نظر می‌رسد. «تاریخ گذاری دانشی است که از تاریخ و ترتیب نزول فقرات مستقل وحی‌های قرآنی اعم از یک سوره کامل یا فقره مستقل از یک سوره تدریجی النزول بحث می‌کند» (نکونام، ۱۳۸۵ش، ۲۵). هر چند تعیین زمان دقیق آیات و سُور قرآن، دارای سابق‌های طولانی در بین مسلمانان است و حتی در برخی از روایات نیز به تاریخ نزول پاره‌ای از آیات و سُور اشاره شده است (نک: عیاشی، ۱۳۸۰ق، ۱/ ۲۸۸).

گذشته از این، تحقیقات نوین در این زمینه، تحت تأثیر مطالعه‌های غربیان قرار داشته است (در این زمینه، نک: نکونام و مهدی‌زاده، ۸۴). بدنبال آنان، مسلمانان نیز غالباً در شکل تفاسیر تاریخی یا تنظیم تفسیر براساس اسباب نزول به این شیوه توجه نموده‌اند تا آن‌جا که امروزه تعیین نزول بسیاری از آیات و سور، دستمایه مطالعه‌گران و محققان علوم قرآنی قرار گرفته است. فائده‌های زیادی در تاریخ گذاری آیات و سُور قرآن وجود دارد که از جمله آنان می‌توان به شناخت گام به گام دعوت پیامبر، بازسازی تاریخ اسلام و تفسیر صحیح آیات و سور در غالب شناخت زمان و سبب نزول آیه و سوره اشاره کرد. نکته حائز اهمیت، تفاوت شیوه‌هایی است که مفسران و مطالعه‌گران با آن به بحث تاریخ‌گذاری می‌پردازند که انواع شیوه‌ها از جمله روایی، زبانی، آمار و ریاضی را در بر می‌گیرد؛ تنوع این شیوه‌ها تا آن‌جاست که برخی از آنان جنبه ذوقی به خود گرفته است (نک: بازرگان، ۱۳۸۸ش، سراسر اثر).

وانگهی، کار تاریخ‌گذاری قرآن با دشواری‌هایی نیز همراه است که مهم‌ترین آنان را می‌توان تشتت و تعارض در روایت سبب نزول دانست که این امر بویژه برای کسانی همچون اخباری‌ها دو چندان است. این نگاه تبعیدی به روایات اسباب نزول، باعث درهم ریختگی تاریخ نزول سوره‌ها در نگاه محقق بوده و همواره هم‌چون یک مُعضل در مطالعه‌های این‌چینی وجود داشته است؛ تا آن‌جا که چنین نگاهی، آیات یک سوره را به واحدهای جدا از یکدیگر تقسیم کرده، و گاه فاصله بین نزول این واحدها، چیزی حدود فاصله دوران مکی و مدنی است. اما این امر بصورت موردی از

سوی کسانی که صرفاً نگاه تبعیدی به روایات نداشته‌اند، با معیارهای گوناگون مورد نقد قرار گرفته است (برای نمونه، نک: طباطبایی، ۱۳۷۴ ش، ۲۰، ۵۴۶). از جمله این سوره که با توجه به مضامین گوناگون و طولانی بودنش، در تاریخ نزول فقرات آن نظریه‌های گوناگونی ابراز شده، سوره بقره است.

طرح مسئله

سوره بقره بنا بر تصریح بسیاری از مفسران و محققان، نخستین سوره‌ای است که پس از هجرت در مدینه نازل شده (نک: ابن‌عاشور، ۱۴۲۰ ق، ۱ / ۱۹۹، واحدی نیشابوری، ۱۴۰۸ ق، ۱۲). تنوع و گستردگی موضوعات در این سوره، بسیاری از مفسران و مطالعه‌گران را بر آن داشته تا قائل به نزول تدریجی آن گردند (نک: طباطبایی، ۱۳۷۴ ش، ۱ / ۶۹)؛ و حتی بنا بر نظر مشهور، نزول فقرات این سوره از ابتدای دوران مدنی تا به روزهای پایانی زندگی پیامبر (ص) به طول آن‌جامیده و مابین نزول بخش‌های مختلف آن، سوره‌های دیگری نازل شده‌اند. علت اتخاذ چنین دیدگاهی را می‌توان در چندین علت جست؛ نخست موضوعات متعدد و به ظاهر ناهماهنگ و دیگری روایات و گزارشات تاریخی پیرامون این سوره است.

هر چند بسیاری از فقرات این سوره از آن‌جایی که ناظر به رویدادهای تاریخی هستند به مانند آیات مربوط به تحویل قبله یا از آن‌جایی که در برگیرنده مسائل اعتقادی اند؛ از جمله آیات مربوط به روزه به جهت اهمیت آن در دین اسلام، در منابع تاریخی و روایی تا حدی از وضوح برخوردار بوده و در تاریخ نزول آنان در سال‌های اول و دوم شکی نیست. اما برخی از فقرات این سوره از جمله آیات مربوط به حج و عمره به علت عدم تصریح منابع تاریخی به حج و عمره در سال‌های نخست و همچنین شرایط سیاسی فی‌مابین مسلمان و مشرکان در سال‌های نخست و وجود این پیش‌فرض هم‌چون عاملی برای عدم امکان شرکت مردم مدینه در مراسم حج و عمره، تاریخ نزول آن همواره محل نزاع مفسران بوده و تاریخ‌های گوناگونی به غیر از سال‌های اول و دوم هجری برای آن ذکر شده است.

فقره مربوط به حج و عمره در سوره بقره، از آیات ۱۹۶ تا ۲۰۳ این سوره را شامل می‌گردد؛ یعنی از «وَأْتَمُوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ..» تا «وَأَعْلَمُوا أَنَّكُمْ إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ» را. این آیات در سوره بقره

و در خلال فقراتی از این سوره وجود دارد که شکی در تاریخ نزول آنان در دو سال نخست هجری نیست. حال مسئله مطالعه حاضر این است که دیدگاه‌های موجود و تحلیل آن‌ها در خصوص تاریخ نزول فقره ۱۹۶ تا ۲۰۳ سوره بقره چیست؟ تاریخ نزول فقره ۱۹۶ تا ۲۰۳ سوره بقره در چه زمانی است؟ روش تحقیق بصورت کتاب‌خانه‌ای و توصیفی تحلیلی است. قابل ذکر است کارهایی که تاکنون چه بصورت مستقل یا در اثنای تفاسیر پیرامون حج و عمره صورت گرفته، بیش‌تر جنبه فقهی داشته و نوعاً متعرض بحث تاریخ‌گذاری آن نشده‌اند. این در حالی است که روشن شدن تاریخ نزول این فقره از سوره بقره، در فهم بهتر این سوره بصورت مجموع‌های به هم پیوسته، تأثیر قابل توجهی دارد.

۱. ارزیابی دیدگاه‌ها

موضع‌گیری مفسران در خصوص تاریخ نزول فقره ۱۹۶ تا ۲۰۳ سوره بقره گوناگون است. آنچه در وهله نخست حائز اهمیت است، تصریح برخی از مفسران بر عدم اطلاع از تاریخ نزول این آیات است که با توجه به جایگاه حج و عمره در اسلام، انتظار روایات تاریخی و تصریحات متعددی را در این زمینه داشته‌اند و این خود باعث احساس بلا تکلیفی و روی‌آوری به حدس و گمان از ناحیه آنان بوده است (نک: سید قطب، ۱۳۸۶ق، ۱/ ۲۰۸). در این میان، اغلب آنان بی‌آن‌که اشاره‌ای به تاریخ نزول این آیات داشته باشند، تنها به مباحث فقهی و تفسیری آن توجه داشته‌اند. اما پاره‌ای دیگر تنها به نقل اقوال دیگر مفسران اکتفا، و از اظهارنظر در این زمینه خودداری کرده‌اند (نک: مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ش، ۲/ ۴۲؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ۵/ ۳۰۳؛ قرطبی، ۱۳۶۴ش، ۲/ ۳۷۳). مفسرانی که به صراحت اشاره‌ای به تاریخ نزول آیه داشته‌اند خود چند گروه‌اند.

الف) مرور اقوال مختلف

محمد عزت دروزه در *التفسیر الحدیث* معتقد به نزول آیات در سال‌های نخستین مدنی است. او ضمن نقد دیدگاه‌های رایج مربوط به نزول آیه ۱۸۹ در سال‌های ششم به بعد، بی‌آن‌که تاریخ مشخصی را برای نزول این آیات بیان کند، نزول آن را مربوط به مدت زمان طولانی پیش از صلح حدیبیه دانسته است. نکته جالب توجه در این دیدگاه این است که دروزه ضمن پیوند آیات ۱۸۹ تا ۲۰۳ سوره بقره با این آیات، آنان را یک فقره در نظر گرفته که دارای سیاق و نزول

واحدی بوده یا این که پی در پی نازل شده‌اند (دروزه، ۱۴۲۱ق، ۶/۳۴۱).

دروزه ضمن بحث در خصوص آیه ۱۹۶ سوره بقره — واتموا الحج والعمرة — و با استفاده از آیات پیش و بعدی این آیه که احکام متعدد و مطلق پیرامون حج را شامل می‌گردد، صحت روایات اسباب نزول این آیه را مورد تردید قرار می‌دهد و تشریح حج را مربوط به سال‌های پیش از صلح حدیبیه می‌داند و بدین جهت احتمال می‌دهد که برخی از افراد متمکن بصورت انفرادی و پیش از فتح مکه، جهت انجام حج و عمره اقدام نموده باشند. او در این خصوص آیه طواف بین صفا و مروه را هم چون قرین‌های برای این احتمال ذکر می‌کند (نک: دروزه، همان، ۳۴۰).

دیدگاه دیگر از آن کسانی است که نزول آیات را در سال ۶ق می‌دانند. این دسته از مفسران که غالباً از بین عامه هستند، سال ششم هجری را زمان نزول آیات دانسته‌اند. در پیشاپیش آنان، می‌توان از طبری نام برد که به صراحت زمان نزول آن را در ماجرای عمره حدیبیه دانسته که در طی آن مسلمانان از زیارت خانه خدا و اعمال عمره بازداشته شدند (نک: طبری، ۱۴۲۱ق، ۲/۲۵۵). از نظر طبری، به رغم بازداشتن مسلمانان، خداوند اعمالی را که مورد احتیاج حج و عمره سال‌های بعد بوده، برای آنان بازگو کرده است (نک: همان‌جا).

مفسر شاخص دیگری که در بین عامه مسلمانان بر این دیدگاه تأکید ورزیده، ابن‌عاشور است. ابن‌عاشور ضمن تأکید بر نزول آیه در ماجرای حدیبیه در سال ششم، نکته جدیدی نسبت به مفسران دیگر بیان می‌کند و آن این است که چون آیه برای ماجرای حدیبیه و در خصوص عمره نازل شده، هدف اصلی آن بیان اعمال عمره مفرده است و اشاره به حج، به منظور ادماج است. ابن‌عاشور این طرز بیان قرآن در خصوص اعمال حج را که طی سال‌های آینده صورت می‌گیرد، از معجزات قرآن دانسته است (نک: ابن‌عاشور، ۱۴۲۰ق، ۲/۲۱۳).

از دیگر مفسران عامه مسلمانان که بر نزول آیه در سال ششم تأکید ورزیده‌اند، می‌توان از قرطبی، آلوسی و فخررازی نام برد (قرطبی، ۱۳۶۴ش، ۲/۳۷۳؛ آلوسی، ۱/۴۷۷؛ فخررازی، ۱۴۲۰ق، ۵/۳۰۳). نکته حائز اهمیتی که در این دیدگاه وجود دارد این است که عمده دلیل این مفسران، جمله فان احصرتم... است که آن را معادل ممانعت مسلمانان از اعمال عمره توسط مشرکان در سال ششم دانسته‌اند. دلیل روایی‌ای نیز در منابع عامه وجود دارد که مربوط به ماجرای حلق راس و بیماری کعب بن عجره است که هم‌چون دلیل و شاهی برای اثبات نزول آیه

در سال ششم از آن استفاده می‌کنند.

برخی نیز به نزول آیات در سال‌های متأخرتر معتقد اند. برای نمونه، از معاصران، مهدی بازرگان که با نگاه آماری به تاریخ‌گذاری قرآن نگریسته، بدون اشاره به شماره آیات حج در سوره بقره، نزول این آیات را مربوط به سال‌های ششم و هفتم دانسته و در این میان حتی تاریخ نزول برخی از فقرات آن را در سال دهم به حساب آورده است (نک: بازرگان، ۱۳۸۸ش، ۱/۸۰۱). شاخص‌ترین مفسری که سال نزول فقره ۱۹۶ تا ۲۰۳ سوره بقره را در سال دهم و در طی حجة‌الوداع پیامبر (ص) دانسته، طباطبایی است. وی معتقد است این آیات در حجة‌الوداع یعنی آخرین حجی که رسول خدا (ص) انجام داد، نازل شده است و در آن حج تمتع تشریح شد (طباطبایی، ۱۳۷۴ق، ۲/۱۱۱).

آن‌گونه که از کلام فوق برمی‌آید، وی سال تشریح حج تمتع را در سال دهم در نظر گرفته است. دیدگاه طباطبایی که فاقد دلیل روایی لازم جهت اثبات است، بیشتر با تأکید بر واژه «آتَمُوا» در آیه ۱۹۶ است؛ زیرا از مجموع بحث‌های وی پیرامون اتمام حج برمی‌آید که آیه در پی بیان حکم نهایی حج و عمره است و چون تنها حجی که پیامبر (ص) پس از هجرت موفق به شرکت در آن شده‌اند در سال دهم بوده، ناگزیر آیه نیز در آن سال نازل شده است.

در این میان، جوادی آملی با نگاه توأم با تردید به دو دیدگاه فوق نظر داشته و هریک از سال‌های هفتم (عمره‌القضاء) یا دهم (حجة‌الوداع) را تاریخ نزول آیات حج و عمره در سوره بقره دانسته است (نک: جوادی آملی، ۱۳۸۶ش، ۸/۲۸). هرچند از پاره‌ای از مباحث وی برمی‌آید که تشریح حج تمتع در سال دهم هجری بوده است (همان، ۱۰/۵۸). از نظر وی، به رغم آن‌که برخی از آیات سوره بقره در سال اول و برخی دیگر در سال دوم نازل شده‌اند و آیات حج نیز که با فاصله شش یا هشت سال پس از آنان نازل شده‌اند ولی دارای تناسب با یکدیگر اند؛ زیرا باید بین تناسب محتوا و تقارن یا تقارب نزول فرق نهاد (نک: همان‌جا).

وجه مشترک دیدگاه‌های فوق در تک‌معیار بودن آنان است. بدین جهت نتایج متفاوتی از تاریخ نزول این فقره بدست آمده است. اما معیارهای گوناگونی را می‌توان هم‌چون شاهد و قرینه برای تعیین تاریخ نزول آیات و سور بکار برد. اما آنچه به صورت سنتی هم‌چون معیاری برای تاریخ‌گذاری سوره‌ها و آیات قابل مشاهده است، روایات اسباب نزول است. هرچند نقش روایات

در تعیین تاریخ نزول قابل نفی نیست ولی با توجه به تعارض و تناقض موجود در روایات اسباب نزول، تاریخ‌گذاری به نتیجه مطلوب نرسیده و بدین جهت توأم با تشتت و گوناگونی دیدگاه‌ها است. بدین جهت در خصوص تاریخ‌گذاری این آیات، یقیناً باید نگاهی فراگیر و جامع داشت که بدین منظور این شیوه در ذیل از نظر می‌گذرد.

ب) پیوستگی موضوعات سوره بقره

در نگاه نخستین، وجود آیات حج و عمره در سوره بقره، این نکته را به ذهن می‌آورد که این آیات نیز هماهنگ با دیگر فقرات این سوره، هم‌چون نخستین سوره نازل در مدینه به حساب آیند؛ زیرا چه از نظر تاریخی و چه محتوایی و روایی، این نکته قابل اثبات است که سوره بقره در دو سال نخست هجری در مدینه نازل شده است (نک: ابن‌عاشور، ۱۴۲۰ق، ۱/ ۲۰۰، قرطبی، ۱۳۶۴ش، ۱/ ۱۵۲). آنچه باعث تقویت این دیدگاه می‌گردد، وجود آیات تاریخی در این سوره است که بنا بر تصریح بسیاری از منابع، ظرف زمانی رویداد آنان در دو سال نخست هجری بوده است.

از آن جمله، ماجرای یهود مدینه و عقد پیمان بین پیامبر (ص) با آنان (رسولی محللاتی، ۱۳۹۱ق، ۲۷۵)؛ تشریح زکات در آیه ۱۱۰، هم‌چنین آیات ۲۶۰ تا ۲۸۰ (نک: همان، ۲۹۵)؛ تحویل قبله در شعبان سال دوم (نک: مسعودی، ۱۳۸۲ش، ۱/ ۶۳۵؛ طبری، ۱۴۰۸ق، ۲/ ۱۷)؛ یعقوبی، ۱۳۷۸ش، ۲/ ۴۲)؛ ابن‌اثیر، ۱۳۸۵ق، ۲/ ۱۱۵)؛ تشریح روزه در شعبان سال دوم (نک: یعقوبی، ابن‌اثیر، همان‌جاها)؛ سربّه عبدالله بن جحش و ماجرای درگیری او با مشرکان در ماه حرام در رجب سال دوم (نک: طبری، ۱۴۲۸ق، ۲/ ۴۱۰). فقره ۱۹۶ تا ۲۰۳ که در میان این فقرات قرار دارد، بنا بر دلایل ذیل دارای پیوستگی با آنان است.

اولین شاهد پیوستگی این فقره با دیگر فقرات سوره، سبک واحد و یک‌سان این فقره با دیگر فقرات است. از آن جمله در پایان بسیاری از فقرات این سوره، چه در آن‌جایی که خداوند در صدد تشریح احکام است یا در مواردی که به برخی دیگر از موضوعات می‌پردازد، امر به تقوای الهی می‌کند (نک: بقره/ ۲، ۶۶، ۱۰۳، جاهای مختلف). در فقره مربوط به حج و عمره نیز در آیات ۱۹۶، ۱۹۷ و ۲۰۳ سخن از تقوای الهی به میان آمده است.

نمونه دیگر، کاربرد مشتقات ماده حصر است. از این ماده که فعل *أَحْصَرْتُمْ* در فقره ۱۹۶ تا ۲۰۳ سوره بکار رفته و یکی از مستندات قائلان به نزول این آیات در ماجرای صلح حدیبیه است،

آیه ۲۷۳ این سوره نیز در خصوص فقرا نازل شده است: «لِلْفُقَرَاءِ الَّذِينَ أَحْصَرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ». این آیات که مربوط به فقر و نیازمندی است، در خصوص چهارصد تن از مهاجرانی است که به علت دوری از شهر خود و عدم امکانات در مدینه در تنگدستی به سر می‌بردند (ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸ق، ۴/۸۳). یقیناً چنین شرایطی با مهاجرت آنان در سال‌های نخستین مدینه سنخیت بیش‌تری دارد و بدین جهت می‌توان نزول این آیه را هماهنگ با دیگر آیات سوره بقره در دو سال اول هجری دانست.

چنین دیدگاهی را نیز می‌توان در خصوص ماده اتمام نیز در نظر آورد؛ زیرا در ابتدای آیات مربوط به فقره ۱۹۶ تا ۲۰۳، فعل اتموا بکار رفته است. چنین کاربردی در آیه ۱۸۳ این سوره که مربوط به روزه است نیز وجود دارد: «ثم اتموا الصيام الى الليل...». گذشته از این، واژه رفت نیز در هر دو فقره مشترک است (بقره/ ۱۸۷، ۱۹۷).

پ) دیگر شواهد

دلیل مهم‌تر دیگر در خصوص پیوستگی این فقره با دیگر بخش‌های این سوره این است که از آیه ۱۲۴ این سوره که شروع ماجرای حضرت ابراهیم، اسماعیل و بنای خانه خدا است، هم‌چون مقدم‌های برای آیات مربوط به حج و عمره است؛ زیرا شروع و انحصار این فقره با ماجرای حضرت ابراهیم و اسماعیل و بنای کعبه و فرو گذاشتن فرزندان دیگر حضرت ابراهیم، حاکی از آن است که هدف از بیان این فراز از قرآن هم‌چون مقدمه چینی برای تشریح و پرداختن به برخی مسائل حج و عمره است. این دیدگاه از سوی برخی از مفسران نیز مورد تأکید قرار گرفته است.

از آن جمله، طباطبایی به رغم اعتقاد به نزول این آیات در حجة الوداع، بر جنبه مقدمه‌ای بودن برخی آیات قبل از آن از جمله آیه ۱۸۹ این سوره، نسبت به آیات حج و عمره تأکید دارد (طباطبایی، ۱۳۷۴ش، ۲/۸۱). چنین مطلبی توسط وی ذیل آیه ۱۲۴ سوره بقره که شروع داستان ابراهیم (ع) و مجموعه آیات پس از آن که درباره بنای کعبه و اتخاذ مقام ابراهیم هم‌چون مصلی است نیز گفته شده است (نک: همان، ۱/۴۰۳) مشابه چنین دیدگاهی توسط جوادی آملی در باب تناسب آیات ۱۹۰ تا ۱۹۵ سوره بقره با فقره ۱۹۶ تا ۲۰۳ نیز بیان شده است (جوادی آملی، ۱۳۸۵ش، ۱۰/۳۰).

حال مسئله مهمی که با لحاظ این داده به وجود می‌آید این است که اگر فقره مربوط به حج و

عمره در آیات ۱۹۶ تا ۲۰۳ سوره بقره براساس دیدگاه صاحبانشان در سال ششم یا دهم هجری نازل شده باشد، این بخش از سوره بقره هم‌چون مقدمه، برای چندین سال ناقص بوده و آیات ۱۹۶ تا ۲۰۳ که هم‌چون هدف از نزول آن بوده، اگر با فاصله زمانی طولانی از این آیات نازل شده باشد، این آیات مقدمه‌ای، عملاً بدون هیچ نتیجه‌گیری خاصی در دست مردم می‌بوده است.

نکته مهم دیگر، در خصوص واو جمله «وَأْتَمُوا» ست. در این‌که واو موجود بر فعل «آتَمُوا» از چه نوعی است، بین مفسران محل بحث است. برخی آن را از نوع استیناف دانسته‌اند (نک: صافی، ۱۴۱۸ق، ۲/۴۰۴؛ درویش، ۱۴۱۵ق، ۱/۲۸۸) و برخی دیگر آن را عطف در نظر گرفته‌اند (نک: ابن‌عاشور، ۱۴۲۰ق، ۲/۲۱۲) که به نحوی بازگشت به واو موجود در آیه ۱۸۹ «و لیس البر بان تاتوا البیوت من ظهورها» دارد و آیات ۱۹۰ تا ۱۹۵ از نوع استطراد یا اعتراض است. با وجود این، حتی اگر این واو از نوع استیناف باشد؛ ولی با در نظر گرفتن معنا و مفهوم این فقره با فقرات پیش و پس، وجه ارتباط معنوی آنان با یکدیگر کاملاً مشخص است؛ زیرا واو استیناف تنها از جنبه لفظی و ارتباط با جمله دارای همان کارکرد است و منافاتی با نزول یکپارچه ندارد. پس بنابراین، به نظر می‌رسد که فقره ۱۹۶ تا ۲۰۳ در ارتباط با آیات پیش و پس از خود بوده و هماهنگ با آنان در سال دوم نازل شد.

۲. حج و عمره مردم مدینه پیش از حجة الوداع

نکته مهم و اساسی که به نظر می‌رسد در تاریخ‌گذاری حج تمتع براساس فقره ۱۹۶ تا ۲۰۳ سوره بقره چه در کتب تاریخی و چه در کتب تفسیری مورد غفلت قرار گرفته، برگزاری اعمال حج و عمره توسط مردم مدینه در سال‌های نخستین هجری است. گویی این مسئله بصورت پیش فرض مورد پذیرش قرار گرفته که با ورود پیامبر (ص) و مهاجران به مدینه، تمامی ارتباطات مردم مدینه با شهر مکه حتی برگزاری اعمال و مناسک حج و عمره بصورت مطلق قطع گردیده و اقدام پیامبر (ص) در برگزاری عمره سال ششم، نخستین اقدام مردم مدینه در این زمینه بوده است و بدین جهت، طرفداران این دیدگاه‌ها هیچگونه احتمالی در اختصاص این آیات به حج و عمره سال‌های نخستین نمی‌دهند. اما این دیدگاه بنا بر دلایل زیر می‌تواند مورد واکاوی قرارگیرد.

الف) خطاب فعل اَتَمُّوا

نخست آن که وجود این آیات در سوره بقره هم چون نخستین سوره نازله در مدینه، ظهور در این دارد که خطاب اتموا در آیه «واتموا الحج و العمره» ناظر به حج و عمره گزاران دو سال نخست هجری بوده و اختصاص نزول آن به سال‌های ششم به بعد، نیازمند قرینه است. دوم آن که، دلیل قاطعی در دست نیست که پس از هجرت کلیه روابط اقتصادی، اجتماعی و مذهبی مردم مدینه با شهر مکه قطع شده باشد. اگر این مسئله از لحاظ عقلی نیز مورد بررسی قرار گیرد، محال به نظر نمی‌رسد که مردمی که از یک نژاد بوده و یقیناً بواسطه تجارت یا مراسم حج و عمره یا سایر روابط اجتماعی در طول چند سده با یکدیگر مرتبط بوده و چه بسا این ارتباط که در برخی موارد به روابط خانوادگی و زناشویی آن‌جامیده، به یکباره با مهاجرت مسلمانان به مدینه بطور کامل قطع شده باشد.

هرچند تردیدی در این نیست که پس از هجرت این روابط در بسیاری از موارد به تضییق و سیاهی‌گراییده و تحت تأثیر شرایط سیاسی جدید قرار داشته است؛ اما حداقل ارتباط انفرادی اعم از عاطفی، خانوادگی، تجاری و مذهبی دور از ذهن به نظر نمی‌رسد و چه بسا افرادی که در سایه این ارتباط شخصی با مکه، اقدام به برگزاری اعمال و مناسک حج و عمره نموده باشند و این احتمالی است که از جانب برخی از مفسران نیز داده شده است (سید قطب، ۱۴۲۵ق، ۱/ ۱۴۱)؛ زیرا بعید به نظر می‌رسد که با توجه به جایگاه اعتقادی و تاریخی کعبه و مسجدالحرام، اقامه حج و عمره در بین مردم شبه جزیره عربستان به سادگی مورد چشم پوشی و غفلت قرار گرفته باشد. ضمن آن که تدقیق در اقدام یکباره و بی‌مقدمه پیامبر (ص) در برگزاری عمره سال ششم با وجود جنگ‌های متعدد و خونینی که در سال‌های نخستین مدینه بین طرفین صورت گرفته، نیز می‌تواند بر این اعتقاد با وجود تمام مشکلات و مخاطرات صحه گذارد.

ب) مفهوم «أهله» در آیه ۱۸۹

دلیل دیگر بر برگزاری حج و عمره مسلمانان در سال‌های نخستین مدینه، آیه ۱۸۹ سوره بقره است. آیه مورد نظر که در خصوص سؤال از پیامبر (ص) در مورد أهله است، به یکی از رسوم جاهلیت نیز اشاره دارد: «يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَهْلِ قُلْ هِيَ مَوَاقِيتُ لِلنَّاسِ وَالْحَجِّ وَ لَيْسَ الْبِرُّ بِأَنْ تَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ ظُهُورِهَا وَ لَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ اتَّقَى وَ اتَّوَا الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ». این

آیه که با فاصله چند آیه، پیش از فقره ۱۹۶ تا ۲۰۳ قرار دارد، ناظر بر این است که در دوران جاهلیت، کسانی که از اعمال حج باز می‌گشتند، به جای ورود از درب خانه، با سوراخ کردن پشت خانه، وارد آن می‌شدند. هر چند اسباب النزول این آیه، اختلاف جدی با یکدیگر دارند و حتی برخی از این روایات، آیه را در خطاب به پیامبر (ص) می‌دانند؛ ولی با توجه به جمع بودن خطاب آیه و مسئله عصمت، آیه نه در خطاب به پیامبر (ص) بلکه در خطاب به حج‌گزاران است.

یقیناً با توجه به مدنی بودن سوره و نوع خطابات قرآن به افراد حاضر، آیه نیز نمی‌تواند در خطاب به حج‌گزاران غایب چه ساکن در مکه و سایر شهرهای دیگر غیر از مدینه باشد؛ بدین جهت آیه باید در خطاب به حج‌گزاران مدینه باشد. از قضا این احتمال از طرف برخی از روایات اسباب النزول نیز تأیید می‌گردد؛ بدین صورت که انصار، موقعی که از حج باز می‌گشتند از در وارد خانه نمی‌شدند و این آیه در شان آنان نازل شد (طبری، ۱۴۲۱ق، ۲/۲۲۴). با در نظر گرفتن این سبب النزول و در هماهنگی با نزول آیات پیش از این آیه اعم از آیات تحویل قبله و آیات وجوب روزه که در شعبان سال دوم نازل شده‌اند، آیه ۱۸۹ باید ناظر به حج مردم مدینه در سال اول هجری باشد که در این مقطع زمانی و در حوالی ماه شعبان سال دوم نازل شد تا در آستانه برگزاری حج در ذی‌الحجه سال دوم هجری، این رسم جاهلی اصلاح گردد.

پس آیه ۱۸۹، به نوعی می‌تواند ناظر بر حج مسلمانان در سال اول هجری و پیش بینی از حج در سال دوم باشد و با وجود اقامه حج در سال اول، بالطبع برگزاری عمره نیز در سال اول و تا زمان نزول این آیات دور از ذهن نیست. بدین سان فقره ۱۹۶ تا ۲۰۳ سوره بقره نیز می‌تواند به همین منظور و در آستانه برگزاری حج سال دوم نازل شده باشد.

پ) دلالت نداشتن حصر بر ممانعت مشرکان در سال نهم

آن‌گونه که در دیدگاه قائلین به نزول این آیات در سال ششم گفته شد، از دلائل عمده این دسته از مفسران، واژه أُحْصِرْتُمْ در آیه ۱۹۶ سوره بقره است «...فَإِنْ أُحْصِرْتُمْ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ...». اغلب آنان، حصر را در آیه به معنی صدّ و ممانعت مسلمانان توسط مشرکان در منطقه حدیبیه گرفته‌اند؛ زیرا براساس گزارشات تاریخی، پیامبر (ص) پس از توافق با فرستاده مشرکان و پیمان صلح در منطقه حدیبیه، قربانی کرده، سرتراشیده و از احرام خارج شدند (ابن‌هشام، ۱۳۷۵ق، ۲/۳۱۹). اما این برداشت از ماده حصر براساس دلائل زیر می‌تواند مورد نقد قرار گیرد.

در این زمینه تفاسیر وارد مناقش‌های لغوی شده و سعی در پیوند بین حصر و صدّ اند؛ زیرا آنچه در ماجرای عمره سال ششم اتفاق افتاده، صدّ دشمن بوده است. در این قسمت، نوعاً تفاسیر عامه مسلمانان، حصر را به دو نوع ظاهری بواسطه دشمن و حصر باطنی بواسطه مرض تقسیم می‌نمایند؛ هرچند برخی از آنان بواسطه قرینه فعل «أَمْنْتُمْ»، مصداق آن را در این‌جا حصر توسط دشمن در نظر گرفته‌اند (نک: ابن‌عاشور، ۱۴۲۰ق، ۲/۲۱۸). اما نکته قابل تاملی که در این‌جا وجود دارد و ارتباط آیه را با ماجرای عمره سال ششم زیر سؤال می‌برد این است که برداشت معنای صدّ از ماده حصر، تکلفی بیش نیست؛ زیرا قرآن خود در آیه ۲ سوره مائده با یادکرد از ماجرای عمره سال ششم، از آن تعبیر به صدّ می‌کند «وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ أَنْ صَدُّوكُمْ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ أَنْ تَعْتَدُوا».

شکی نیست که سوره مائده آخرین یا جزء آخرین سوره‌هایی است که براساس برخی روایات در ۲ ماه آخر زندگانی پیامبر (ص) و پس از حجةالوداع نازل شد (عیاشی، ۱۳۸۰ق، ۱/۲۸۸) و آیه ۲ این سوره در خطاب به مسلمانانی است که پس از فتح مکه در اوج قدرت بوده و بدین جهت، احتمال انتقام‌گیری از کسانی که در ماجرای صدّ مسلمانان از شرکت در عمره سال ششم شرکت داشته، وجود داشته است. در چنین شرایطی، خداوند به مسلمانان متذکر می‌شود که این کار مشرکان در سال ششم، باعث تعدی و بی‌عدالتی از طرف مسلمانان نگردد (نک: مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ش، ۴/۲۵۱؛ مراغی، بی‌تا، ۶/۴۵؛ شبر، ۱۴۱۰ق، ۱/۱۳۳؛ رشید رضا، ۱۴۱۴ق، ۶/۱۲۸؛ بقاعی، ۱۴۲۷ق، ۲/۳۸۹).

افزون بر این، همان‌گونه که ملاحظه شد در آیه ۲ سوره مائده از واقعه سال ششم تعبیر به «صدّ» شده است. این تفاوت برداشت از حصر و صدّ در برخی روایات نیز وارد شده است؛ از آن جمله در روایتی از امام صادق (ع) آمده است که محصور غیر مصدود است؛ محصور عبارت است از مریض؛ و مصدود به کسی گفته می‌شود که مشرکان مانع او گردند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۴/۳۶۹). گذشته از این، برداشت‌هایی که مفسرین از واژه احصروا در آیه ۱۹۶ داشته و آن را به بیماری تعمیم داده‌اند، خود گویای این است که واژه احصروا در این‌جا عام بوده و صرفاً در خصوص عمره حدیبیه نازل نشده است؛ بنابراین، استناد به واژه «احصروا» برای اثبات نزول این آیات در سال ششم درست نیست. این معنا به خوبی در برخی از تفاسیر در نظر گرفته شده است که حصر را در خصوص بیماری

دانسته‌اند و ممانعت مشرکان در سال ششم را از مقوله صَدِّ در نظر گرفته‌اند (قرشی، ۱۳۷۵ش، ۱/ ۳۶۴) یا بی‌آن‌که اشارهای به مسئله عمره سال ششم داشته باشند، به صورت مطلق به هر مانعی تفسیر نموده‌اند (نک: مدرسی، ۱۴۱۹ق، ۱/ ۳۴۹؛ خطیب، ۱۴۲۴ق، ۱/ ۲۳۰).

نکته مهم دیگر این است که در هیچ گزارش تاریخی وجود ندارد که پیامبر (ص) در پی نزول این آیات، اقدام به ذبح و حلق رأس کرده باشد؛ بلکه تنها به این اشاره شده که پس از ماجرای صلح حدیبیه و اثبات صَدِّ پیامبر (ص) بلافاصله اقدام به ذبح قربانی و حلق راس کردند و از احرام خارج شدند؛ این خود می‌رساند که آیه مربوط به حصر، پیش از این نازل شده بود و پیامبر (ص) به علت نزول این دستور در سال‌ها قبل، بلافاصله به آن عمل نموده است.

گذشته از این، آن‌گونه که منابع دلالت دارند، سوره فتح که در برگیرنده ماجرای مربوط به عمره سال ششم است، پس از خروج پیامبر (ص) از احرام و در مسیر بازگشت و در بین راه مکه و مدینه نازل شد (نک: ابن‌هشام، ۱۳۷۵ق، ۲/ ۳۲۰) و اگر این آیه مربوط به این ماجرا بوده، یقیناً باید همگام با سایر آیات سوره فتح در این چارچوب نازل شده باشد نه در سوره بقره که در سال دوم نازل شده است.

هم‌چنین باید در نظر داشت که تصریح آیه بر اتمام حج و عمره است؛ حال آن‌که آنچه در سال ششم، پیامبر (ص) برای اقامه آن از مدینه خارج شده، عمره بوده است و توجیه مفسرانی هم‌چون ابن‌عاشور بر ادماج بودن بحث حج در این آیه نیز با توجه به تفصیلی بودن این فقره نسبت به مسئله حج و عمره بصورت توأمان و هم‌چنین تقدیم حج بر عمره در آیه ۱۹۶ درست نمی‌نماید.

۳. ضرورت اصلاح حج و عمره پیش از حجة الوداع

شاخص دیگری که می‌تواند در تاریخ‌گذاری این فقره بکار آید، ضرورت اصلاح فرهنگ‌های جاهلی پیامون حج و عمره در زمینه حجة الوداع پیامبر (ص) است که بخشی از آن در طی این آیات به آن پرداخته شده است. نوع این رسوم، حکایت از آن دارد که باید مربوط به سال‌های نخست هجری بوده باشد. دلائلی که می‌توان در این زمینه ارائه کرد، به قرار ذیل است.

الف) اکمال تدریجی حج

از نگاه برخی مفسران، آنچه اصلاح فرهنگ‌های متعلق به دوران جاهلیت را در سال‌های

نخستین هجرت ضروری می‌سازد، لزوم اكمال حج و عمره پیش از حجةالوداع پیامبر (ص) در سال دهم است؛ زیرا حجةالوداع پیامبر (ص) که دارای نام‌های دیگری از قبیل حجةالبلاغ و حجةالاسلام است (نک: ابن کثیر، ۱۴۱۶ق، ۱۷؛ عینی، ۱۴۲۹ق، ۹/۱۵۴)، نمونه عینی و بی‌واسطه از اقامه حج و عمره توسط پیامبر است و یقیناً این دو فریضه می‌بایست سیر تکاملی خود را همراه با اصلاح فرهنگ جاهلی در حج و عمره‌های قبل پیموده است تا در حجةالوداع توسط ایشان اقامه گردد و اصولاً یکی از اهدافی را که برای حجةالوداع ذکر کرده‌اند، آموزش همگانی حج بوده است و ناگزیر احکام حج باید پیش از این نازل شده باشد تا بواسطه پیامبر (ص) اعمال گردد.

براساس منابع، پیامبر (ص) طی حیات خویش دو حج بجای آوردند که نخستین آن پیش از هجرت و دومین آن پس از هجرت و در سال دهم بوده است (ابن اثیر، ۱۳۸۵ق، ۲/۳۰۵). این نیز مسلم است که نخستین حجی که مسلمانان بصورت رسمی پس از هجرت آن‌جام داده‌اند، در سال نهم بوده که شرح ماجرای آن در سوره توبه و همچنین تفاسیر وارد شده است (نک: حویزی، ۱۴۱۵ق، ۲/۱۷۷). پیامبر (ص) در این حج شرکت نداشته‌اند و طی این حج، سوره توبه نازل شد که از نکات مهم آن، تعیین تکلیف مشرکان برای ادامه حضور در شهر مکه بوده است. مسلماً در این سوره، چیزی بر احکام حج و عمره افزوده نشده و مناسک حج مسلمانان در این سال، براساس آنچه تا پیش از این نازل شده بود، برگزار گردید.

با اینهمه، سؤال مهمی که به وجود می‌آید این است که با وجود تمام موارد تاسیسی و اصلاحی که در فقره ۱۹۶ تا ۲۰۳ سوره بقره نسبت به حج و عمره وجود دارد، آیا آن‌جام تمام این احکام تاسیسی و اصلاحی از قبیل تشریح حج تمتع، احکام فقهی جواز تجارت، یاد خدا در مشعرالحرام هنگام افاضه از عرفات، اصلاح بدعت جاهلی قریش در افاضه از مشعرالحرام... تا سال دهم به تاخیر افتاده بود. این در حالی است که عمره توسط پیامبر در سال هفتم هجری تحت عنوان عمره القضاء و حج توسط مسلمانان بصورت رسمی در سال نهم هجری اقامه گردید بود.

در این میان می‌توان حتی احتمال برگزاری حج و عمره بصورت انفرادی و غیر رسمی پس از فتح مکه در سال هشتم را نیز داد؛ زیرا فتح مکه در ماه رمضان سال هشتم روی داده است و در باقیمانده از این سال یعنی در شوال، ذی‌القعدة و ذی‌الحجه، امکان تاسیس این احکام و اصلاح برخی رسوم جاهلی وجود داشته است. شاهد مهمی که برای این استدلال وجود دارد، سوره مائده

است؛ زیرا از آنجایی که این سوره در حجة‌الوداع نازل شد و در آیه ۲ و ۹۷ این سوره به برخی از دستورات فقهی جزئی و هم‌چنین دستورات اخلاقی حج اشاره شده است، فقره ۱۹۶ تا ۲۰۳ سوره بقره نیز در صورت نزول در حجة‌الوداع می‌توانسته در جزء این سوره و در کنار آیات مربوط به حج قرار گیرد.

ب) عبارت «لله»

اصلاح بقایای شرک در بین نومسلمانان مدینه اعم از مؤمن و منافق یا حتی مشرکانی که هنوز وارد دین اسلام نشده‌اند، رویکردی است که یقیناً با سال‌های نخستین هجری سازگارتر است. آنچه دال بر این قضیه است، عبارت «لله» در آیه «و اتموا الحج و العمرة لله..» است. جای شکی نیست که حج و عمره در اسلام برای خداوند است و در این زمینه شاید تأکید مجدد آیه بر این مقوله شگفت‌انگیز به نظر برسد. این شگفتی دو چندان می‌گردد اگر تاریخ نزول آیه براساس دیدگاه‌های گفته شده، سال ۶ هجری به بعد و بویژه در سال دهم در نظر گرفته شود؛ زیرا بدیهی است که حج و عمره باید با خلوص، تنها برای خداوند انجام شود و این چیزی است که با توجه به رسوخ و گسترش اسلام در شبه جزیره، تأکید مجدد آن با لحاظ چنین شرایطی در سال‌های ششم به بعد موجه به نظر نمی‌رسد.

این تأکید زمانی توجیه می‌یابد که شائبه شرک در اعمال حج و عمره وجود داشته باشد و این بیش‌تر با فضای دوران مکی و سال‌های ابتدایی دوران مدینه سازگارتر است و با توجه به مدنی بودن سوره، احتمال تعلق خطاب آیه به مشرکان مکه منتفی است و بیش‌تر با نزول در دو سال نخست هجری سازگارتر است؛ زیرا مسلماً مردم مدینه پیش از ورود پیامبر به آن شهر، بر آئین شرک بوده‌اند. هرچند با قرینه پذیرش سریع اسلام توسط مردم مدینه، می‌توان گفت که اندیشه شرک، آن‌گونه که در مکه و طائف رسوخ داشته، در بین آنان چندان ریشه‌دار نبوده است ولی با این وجود، به نظر می‌رسد هنوز بقایای اندیشه جاهلیت در آنان وجود داشته است که این می‌تواند هم نسبت به نومسلمانان مدینه نازل شده باشد و هم نسبت به مشرکان مدینه، که هنوز وارد آئین اسلام نشده بودند و این بیش‌تر با فضای سال اول هجری تناسب دارد.

در اینصورت به نظر می‌رسد که برخی از مردم مدینه در سال نخست هجری با چنین اندیش‌های اقدام به اقامه حج نموده‌اند و آیه در سال دوم و چند ماه پیش از برگزاری حج سال

دوم، متذکر چنین نکتهای به آنان می‌گردد. در این زمینه آن‌گونه که برخی از مفسران نیز یادآور شده‌اند، در دوران جاهلیت، کفار حج را برای خداوند و عمره را برای بت‌ها انجام می‌داده‌اند (نک: ابوحیان اندلسی، ۱۴۲۰ق، ۲/ ۲۵۵) یا بنابر دیدگاهی دیگر، حج را برای بت‌ها اقامه می‌کردند (نک: ابن‌عاشور، ۱۴۲۰ق، ۲/ ۲۱۶).

پ) افاضه از مشعرالحرام

مورد دیگری از بدعت‌های جاهلی که در فقره ۱۹۶ تا ۲۰۳ بقره وجود دارد و سکوت اسلام و تداوم آن تا سال‌های میانی یا اواخر دوران مدنی را محل تامل می‌سازد، ماجرای خودداری قریش در وقوف و افاضه از عرفات بود. برپایه گزارشات تاریخی، قبیله قریش که بواسطه حادثه اصحاب فیل در بین عموم مردم دارای قدر و منزلتی شده و بر ثروشان نیز افزوده شده بود؛ دست به بدعت‌های در زمینه‌های گوناگون از جمله مراسم حج زده و امتیازاتی برای خود و منسوبانشان قائل بودند که بواسطه این امتیازات، خود را حُمس می‌نامیدند؛ از جمله آن‌که، به بهانه اهل حرم بودن، وقوف و افاضه از عرفات را قبول نداشته و آن را مختص غیر اهل حرم می‌دانستند و خود از مشعرالحرام حرکت می‌کردند (نک: فیاض، ۱۳۸۵ش، ۵۳).

این بدعت که در مخالفت با حج و سنت حضرت ابراهیم (ع) بوده، در آیه ۱۹۹ از این فقره، با عبارت « ثُمَّ أَفِضُوا مِنْ حَيْثُ أَفَاضَ النَّاسُ » مورد اصلاح قرار گرفت. اما چرایی عدم اصلاح این بدعت در دوران مکی با توجه به شرایط سیاسی اجتماعی پیامبر (ص) و مسلمانان و نبود قدرت لازم برای تغییر این حکم کاملاً روشن است. ولی مسئله مهم، زمان اصلاح آن در دوران مدنی است و این‌که آیا خداوند اصلاح این انحراف آشکار از سنت ابراهیمی را به سال‌های آخر دوران مدینه واگذاشته است؛ حال آن‌که در سال‌های نخستین مدینه، مسلمانان و لو بصورت غیر رسمی و فردی به دفعات، اقامه حج و عمره نمودند و یقیناً زمان تغییر این بدعت نیز می‌بایست در طی آن روی داده باشد؛ لذا به نظر می‌رسد با توجه به رویکرد اصلاحی سوره بقره، تغییر در برخی احکام حج و عمره نیز در آن و همگام با نزول سایر فقرات آن در سال دوم هجری نازل شده باشد.

در پایان، این نکته قابل ذکر است که آنچه باعث شد حج پیامبر (ص) تا سال دهم به تاخیر افتد و در پی آن، هم آموزش حج کامل تا این سال صورت نگیرد و هم احتمال نزول این فقره را در سال دهم در بین برخی از محققان به وجود آورد، واقعی نبودن و در موضع خود قرار نداشتن

ماه‌های قمری به علت عمل نسبی در جاهلیت بوده است که این جایجایی ماهها، پس از گذشت ۳۳ سال، دوباره در جای نخستین خود قرار می‌گرفته است (نک: بیرونی، ۱۳۸۶ش، ۲۲۳) و چون قرارگرفتن ماه‌ها در جای نخستین خود در عصر رسالت، برابر با سال دهم هجری بوده، بدین جهت پیامبر (ص) نیز منتظر فرارسیدن ماه ذی‌الحجه واقعی بوده که این امر در سال دهم محقق گردید و پیامبر (ص) نیز در خطبه‌ای در حجة‌الوداع، بازگشت ماه‌های قمری در شکل و هیئت اولیه خود را اعلام کردند و به نسیء پایان بخشیدند (نک: طبرسی، ۱۳۷۲ش، ۴۶/۵).

آنچه در روایات در خصوص حج پیامبر در سال دهم ذکر شده، مبنی بر آن‌که ایشان در طی آن، حج تمتع را تشریح کرد و پس از آن‌جام عمره، مُحَلِّ شد و بعد برای حج لباس احرام پوشید و فرمود که عمره تا روز قیامت، داخل در حج شما شد (ابن‌حزم، ۱۴۱۸ق، ۱۱۸؛ حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ۱۱/۲۱۵)؛ به نظر می‌رسد که دلالتی بر نزول آیه در حجة‌الوداع و تشریح حج تمتع ندارد و تنها تأکید و نمونه عینی، کامل و بی‌واسطه از انجام حج تمتع توسط شخص پیامبر (ص) است که در سال‌های نخست مدنی نازل شده است و از آنجایی که حج تمتع در دوره جاهلیت و هم‌چنین در دوران اسلام در مکه مسبوق به سابقه نبوده، به راحتی مورد پذیرش مردم واقع نشد و حتی براساس برخی روایات، حج تمتع در حجة‌الوداع و در حضور پیامبر، مورد اعتراض عمر قرار گرفته و پس از رحلت پیامبر (ص) به صراحت توسط او حرام اعلام گردید (نک: ابن‌بابویه، ۱۴۲۵ق، ۵۵۷؛ جوادی آملی، ۱۳۸۶ش، ۱۰/۵۸)؛ لذا بازتاب این واقعه در برخی روایات، باعث بروز شائبه نزول این آیات در سال دهم گردید.

نتیجه

دیدگاه‌های گوناگونی پیرامون تاریخ نزول آیات حج و عمره در فقره ۱۹۶ تا ۲۰۳ سوره بقره وجود دارد که نوعاً برآمده از تک شاخص‌هایی هم‌چون روایات، عقل، لغت و ریاضی و آمار هستند. از آن جمله محمد عزت دروزه بی‌آن‌که اشارهای به تاریخ دقیق نزول این آیات داشته باشند، سال‌های نخستین هجری را زمان نزول آیه در نظر گرفته‌اند. غالب مفسران عامه مسلمانان، سال ششم را زمان نزول آیه دانسته‌اند که در طی ماجرای اقامه عمره پیامبر (ص) در ذی‌القعدة آن سال و در منطقه حدیبیه نازل شد. دیدگاه دیگر مربوط به طباطبایی است که معتقد است آیه در

حجةالوداع و در سال دهم نازل شد. در این میان برخی از محققان که با نگاه آماری و ریاضی به مسئله تاریخ‌گذاری نگریده‌اند، سال نزول آیه را بصورت تدریجی از سال ششم تا دهم دانسته‌اند. با نگرشی جامع و با در نظر گرفتن شاخص‌های گوناگون، مشخص می‌گردد تاریخ دقیق نزول فقره ۱۹۶ تا ۲۰۳ سوره بقره، همگام با نزول سایر فقرات این سوره در سال دوم بوده است. از جمله با در نظر گرفتن تناسب بین موضوعات پیش و پس از این فقره از جمله آیات مقدماتی مربوط به حضرت ابراهیم و بنای کعبه از آیه ۱۲۵ و همچنین آیه ۱۸۹ که مربوط به مواقبت بودن اهله برای حج و نسخ یکی از بدعت‌های جاهلی در زمان حج است، بدست می‌آید که فقره ۱۹۶ تا ۲۰۳ سوره بقره نیز که هم‌چون نتیجه برای آنان محسوب می‌گردد، باید هماهنگ با آنان در سال دوم نازل شده باشد. همچنین برخی واژگانی که مشترک بین این فقره با دیگر فقرات سوره بقره اند، بسان کلید واژگانی بر این تناسب و پیوند می‌افزایند.

شاخص دیگر که بیش‌تر جنبه عقلی داشته و از جانب برخی آیات از جمله آیه ۱۸۹ سوره بقره نیز تأیید می‌گردند، برگزاری حج توسط مردم مدینه اعم از مسلمان و مشرک در سال‌های نخستین مدنی بویژه در دو سال نخست هجری است که آیات ۱۹۶ تا ۲۰۳ قابلیت آن را دارد که ناظر به حج و عمره این دوران باشد. واژه حصر موجود در فقره ۱۹۶ تا ۲۰۳ سوره بقره، عام بوده و نمی‌تواند ناظر به صد مشرکان در سال ششم باشد و این نظر با آیه ۲ سوره مائده تأیید می‌گردد. اصلاح فرهنگ جاهلی مربوط به حج که در این فقره از آیات وجود دارد، بیش‌تر ناظر به رویکرد قرآن در اصلاح فرهنگ‌های جاهلی در سال‌های نخستین است تا سال‌های آخر. شاخص مهم دیگری که می‌تواند نزول آیه را در سال‌های نخست تأیید کند، مسئله اکمال تدریجی حج پیش از حجةالوداع پیامبر در سال دهم است. آنچه می‌تواند مویدی بر این اکمال تدریجی باشد، حج و عمره‌های مختلفی است که مسلمانان تا پیش از حجةالوداع پیامبر آن‌جام داده‌اند و آنچه توسط پیامبر در حجةالوداع صورت گرفته، تنها اقامه بی‌واسطه حج تمتع بوده که در سال دوم نازل شده بود.

منابع

— علاوه بر قرآن کریم؛

- ۱- ابن اثیر، علی بن محمد (۱۳۸۵ق)، *الکامل فی التاریخ*، بیروت، دارصادر، داربیروت.
- ۲- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۲۵ق)، *علل الشرایع*، قم، دارالکتب الاسلامی.
- ۳- ابن عاشور، محمد بن طاهر (۱۴۲۰ق)، *التحریر و التنویر*، بیروت، موسسه التاریخ العربی.
- ۴- ابن حزم اندلسی (۱۴۱۸ق)، *حجة الوداع*، ریاض، بیت الافکار الدولیه.
- ۵- ابن کثیر، اسماعیل بن کثیر (۱۴۱۶ق)، *حجة الوداع*، بی‌جا.
- ۶- ابن هشام، عبدالملک بن هشام (۱۳۷۵ق)، *السیرة النبویه*، قاهره، مطبعة الحلبي.
- ۷- ابوالفتوح رازی، حسین بن علی (۱۴۰۸ق)، *روض الجنان و روح الجنان*، مشهد، بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی.
- ۸- ابویحان اندلسی، محمد بن یوسف (۱۴۲۰ق)، *البحر المحيط*، بیروت، دارالفکر.
- ۹- آلوسی، محمود بن عبدالله (۱۴۱۵ق)، *روح المعانی*، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- ۱۰- بازرگان، مهدی (۱۳۸۸ش)، *سیر تحول قرآن*، تهران، شرکت سهامی انتشار.
- ۱۱- بقاعی، ابراهیم بن عمر (۱۴۲۷ق)، *نظم الدر فی تناسب الآیات و السور*، بیروت، دارالکتب الاسلامیه.
- ۱۲- بیرونی، ابوریحان محمد بن احمد (۱۳۸۶ش)، *التفهیم*، تهران، موسسه نشر هما.
- ۱۳- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۶ش)، *تسنیم*، قم، مرکز نشر اسراء.
- ۱۴- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق)، *وسائل الشیعه*، قم، آل‌البیت.
- ۱۵- حویزی، عبد علی بن جمعه (۱۴۱۵ق)، *نورالتقلین*، قم، اسماعیلیان.
- ۱۶- خطیب، عبدالکریم (۱۴۲۴ق)، *التفسیر القرآنی للقرآن*، بیروت، دارالفکر العربی.
- ۱۷- دروزه، محمد عزت (۱۴۲۱ق) *التفسیر الحدیث*، بیروت، دار الغرب الاسلامی.
- ۱۸- درویش، محیی‌الدین (۱۴۱۵ق)، *اعراب القرآن الکریم و بیانہ*، حمص، دارالارشاد.
- ۱۹- رسولی محلاتی، سید هاشم (۱۳۹۱ش)، *زندگانی حضرت محمد خاتم النبیین*، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- ۲۰- رشید رضا، محمد (۱۴۱۴ق)، *المنار*، بیروت، دارالمعرفه.
- ۲۱- سید قطب (۱۳۸۶ق)، *فی ظلال القرآن*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

- ۲۲- شبر، سید عبدالله (۱۴۱۰ق)، *تفسیر القرآن الکریم*، قم، دار الهجره.
- ۲۳- صافی، محمود (۱۴۱۸ق)، *الجدول فی اعراب القرآن*، دمشق، دار الرشید.
- ۲۴- طباطبایی، محمد حسین (۱۳۷۴ش)، *المیزان*، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، قم، جامعه مدرسین.
- ۲۵- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲ش)، *مجمع البیان*، تهران، ناصر خسرو.
- ۲۶- طبری، محمد بن جریر (۱۴۰۸ق)، *تاریخ الامم و الرسل*، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- ۲۷- _____ (۱۴۲۱ق)، *جامع البیان*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- ۲۸- عیاشی، محمد بن مسعود (۱۳۸۰ق)، *التفسیر*، تهران، مکتبه العلمیه الاسلامیه.
- ۲۹- عینی، محمود بن احمد (۱۴۲۹ق)، *نخب الافکار*، قطر، وزاره الاوقاف و الشؤون الاسلامیه.
- ۳۰- فخر رازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰ق)، *التفسیر الکبیر*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- ۳۱- فیاض، علی اکبر (۱۳۸۵ش)، *تاریخ اسلام*، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- ۳۲- قرشی، سید علی اکبر (۱۳۷۵ش)، *تفسیر احسن الحدیث*، تهران، بعثت.
- ۳۳- قرطبی، محمد بن احمد (۱۳۶۴ش)، *الجامع لاحکام القرآن*، تهران، ناصر خسرو.
- ۳۴- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، *الکافی*، به کوشش علی اکبر غفاری، تهران، اسلامیه.
- ۳۵- مدرسی، محمد تقی (۱۴۱۹ق)، *من هدی القرآن*، تهران، دارالمحبی الحسین.
- ۳۶- مراغی، احمد مصطفی (بی تا)، *التفسیر*، بیروت، دارالفکر.
- ۳۷- مسعودی، علی بن حسین (۱۳۷۰ش)، *التاریخ*، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۳۸- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱ش)، *تفسیر نمونه*، تهران، اسلامیه.
- ۳۹- نکونام جعفر و مهدی زاده، احمد (۱۳۹۷ش)، «جستاری در شمار و تاریخ گذاری آیات براءت»، *مطالعات قرآنی و فرهنگ اسلامی*، سال دوم، شماره ۷.
- ۴۰- نکونام، جعفر (۱۳۸۵ش)، «جستاری در تاریخ گذاری قرآن»، *پژوهشنامه قرآن و حدیث*، سال اول، شماره ۱.
- ۴۱- واحدی نیشابوری، علی بن احمد (۱۴۲۸ق)، *اسباب النزول*، بیروت، دارالفکر.
- ۴۲- یعقوبی، احمد بن اسحاق (۱۳۷۹ق)، *التاریخ*، بیروت، دارصادر.